

شرح رساله حقوق

ما تقریباً مطالبی که پیرامون حق بطن در این بخش لازم بوده را ذکر کردیم فقط چند لغت در این فراز آخر از فرمایش امام سجاد (ع) مانده که باید توضیح داده شود.

تبیین برخی واژه ها

امام سجاد فرمود حق شکم این است که انسان زمانی که گرسنه و تشنه می شود آن را مراقبت کند و کنترل کند مبدا تشنگی و گرسنگی موجب شود انسان کنترل خود را بر شکم از دست بدهد «وَضَبُّهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا فَإِنَّ الشَّبْعَ الْمُنتَهِيَ بِصَاحِبِهِ إِلَى التَّخَمِ مَكْسَلَةٌ وَ مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ» گفتیم بعضی این را به صیغه اسم فاعلی نیز خوانده اند یعنی «مُكْسَلَةٌ وَ مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ» حداقل در بعضی از این واژه ها حتی در کتب لغت هر دو اینها آمده، در کتاب هایی که نوشتند (اگر فرض بگیریم اعراب گذاری اینها صحیح باشد) بعضی به صورت «مُكْسَلَةٌ وَ مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ» آورده و بعضی به صیغه فاعلی که توضیح می دهم. اینجا سه واژه «مُكْسَلَةٌ وَ مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ» آمده و بعد در ادامه حضرت می فرماید: «وَ أَنَّ الرَّيَّ الْمُنتَهِيَ بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مَسْخَفَةٌ وَ مَجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْمَرْوَةِ» مجموعاً شش واژه در این فراز ذکر شده که توضیح اینها لازم است.

حضرت فرمود آن سیری و آن مقداری از خوردن که صاحبش را به حد اشباع و فراتر برساند یعنی یک سیری مذموم، گویا می خواهند بفرمایند ما دو نوع سیر شدن داریم اینها را هفته قبل گفتیم سیری مذموم و سیری ممدوح؛ آن سیری که مذموم است آن سیری است که صاحبش را به «التَّخَمِ» می رساند.

۱. «مُكْسَلَةٌ»

«مُكْسَلَةٌ» مکسله در لغت یعنی الامر الذی یؤدی الی الکسل؛ در تاج العروس همین عبارت را آورده: الشبع مکسلة، سیری مکسله است یعنی چیزی است که سبب کسالت می شود یا آن مرحله ای است که انسان را به کسالت می اندازد. پس مکسلة ای الامر الذی یؤدی الی الکسل. آن چیزی که یا آن مرحله ای که یا زمانی که انسان را به کسالت می کشاند.

۲. «مَثْبُطَةٌ»

«مَثْبُطَةٌ» در تاج العروس اینچنین آمده: «ثبطه علی الامر، ثبطاً و کذا ثبطه تثبیطاً وقفه علیه، فثبطه ای توقف»^۱ المثبطه یعنی آنچه که موجب توقف انسان می شود موجب سستی می شود، موجب ضعف می شود، یعنی موضع التوقف؛ اینها اسم مکان می شود، مکسله یعنی موضع الکسل، مثبطه یعنی موضع الوقف. در مجمع البحرین در ذیل آیه «وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتِهِمْ فَثَبَّطَهُمْ» آمده «ای حبسهم بالجبن، يقال ثبطه ان الامر ای اثقله او ...» آن را متوقف کرده، سرچایش نشانده «و ثبطه عن الامور اذا حبسه و شغله عنها» یعنی اینکه مانع شد از اینکه به کارهای دیگر برسد. پس «المثبطه» یعنی آن موقف یا محل یا مکانی یا زمانی که موجب حبس و توقف انسان است.

۳. «المقطعه»

^۱ تاج العروس، ج ۵۱، ص ۵۵۶.

^۲ تاج العروس، ج ۱، ص ۲۰۷.

«المقطعه» «ای موضع القطع و سببه، يقال الهجر مقطعة للود ای مدعاهم لقطعها»^۱ مقطعه یعنی موضع القطع یا سبب القطع، سیری مقطعة عن کل بر و کرم، موضعی است یا هنگامی است یا زمانی است که به طور کلی قطع می کند هرگونه نیکی و کرامت را از انسان.

بعد در ادامه می فرماید: «وَ أَنْ الرَّيَّ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ» آن پر نوشی که صاحبش را به مستی می کشاند..

۴. «مَسْخَفَةٌ»

«مَسْخَفَةٌ» مسخفه طبق کتاب لغت یعنی جایی که کم فایده یا بی فایده در کتاب لغت آمده: «ارض مسخفه قليلة الکلا» یعنی بی آب و علف و بایر، البته همین را مَسْخَفَةٌ نیز آوردند، در مورد این واژه هر دو آمده. «ارض مسخفه کمحسنه قليلة الکلا»^۲ در برخی از کتاب های دیگر هر دو وجه آمده است یعنی هم مَسْخَفَةٌ و هم مَسْخَفَةٌ.

۵. «مَجْهَلَةٌ»

«و مَجْهَلَةٌ» مجهله باز بنابر آنچه که در کتابهای لغت آمده، «ای الامر الذی یحملک علی الجهل»^۳ در کتاب های دیگر نیز اینچنین آمده است، مثلاً در تاج العروس آمده: «کمرحلة ما یحملک علی الجهل من امر او ارض او خصلة و منه الحدیث الولد مدخلة و مجهلة، و فی روایه مجهلة»^۴ فرزند تو را به جهل می کشاند، امری که تو را به سوی جهالت می برد. پس مسخفه معنایش معلوم شد و مجهله هم معلوم شد یعنی آن پر نوشی که صاحبش را به مستی می کشاند، موجب سستی، خروج از مسیر اعتدال و رساندن انسان به یک مرحله بی خاصیتی می شود وقتی می گوید مسخفه جای بی آب و علف و بایر است یعنی انسان را بی خاصیت می کند و مجهله یعنی یک چیزی است که انسان را به سوی جهالت می کشاند، این معنایش این است که قوه دماغی انسان، قوه فکری انسان را ضعیف می کند. زمانی که کسی پر خوری می کند دیگر نه حال جسمی دارد برای تحرک و نه حال فکر کردن، حتی آن طراوات و شادابی قوه تفکر را از انسان می گیرد.

۶. «مَذْهَبَةٌ»

«و مَذْهَبَةٌ لِمُرُوَّةٍ» با این هم به همان معنا است یعنی آن چیزی است که موجب ذهاب مروت می شود، موجب از بین رفتن جوانمردی می شود. این را «مَذْهَبَةٌ» نیز می توانیم بخوانیم یعنی از بین برنده مروت و جوانمردی است.

بنابراین ملاحظه کردید که امام سجاده (ع) در این بخش به آثار و مضرات پر خوری و پر نوشی اشاره کردند، آن آثاری که در اثر این دو کار یعنی پر خوری و پر نوشی در جسم و روح انسان پدید می آورد به اینها اشاره کردند. ما آنچه که در مورد حق بطن لازم بود را بیان کردیم و انشاء الله در جلسه آینده حق بعدی را بیان می کنیم.

والحمد لله رب العالمین»

^۱ اقرب الموارد، ج ۴، ص ۳۷۱.

^۲ تاج العروس، ج ۱۲، ص ۲۶۵.

^۳ صحاح اللغة، ج ۴، ص ۱۶۶۴.

^۴ تاج العروس، ج ۱۴، ص ۱۳.